

مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

همراه با تشدید ترور و اختناق بمنظور سرکوب هرگونه مخالفت با رژیم دیکتاتوری شاه، فشار بر مبارزانی که در زندانها در اسارت رژیم دیکتاتوری شاه بسر میبرند نیز افزایش مییابد. بجزاگی این فشار زندانیان سیاسی زن را هم در بر گرفته است. زنان و دختران مبارزی که به اسارت دشمنان سلاواک و شهربانی در آمده اند، نه فقط در بهترین شرایط بسر میبرند، بلکه هر روز با ناهنجاریها و آزارهای تازه ای

فشار بر زندانیان سیاسی افزایش می یابد مبارزه برای دفاع از زندانیان سیاسی را تشدید کنیم

باین وحشیگریها و اعمال غیرانسانی باسکوت بی اعتنالی درخیمان رویرو شده است. علاوه بر این زندانیان شاه از اجتماع زنان و دختران زندانی شدت جلوگیری میکنند. هرگونه بحث و حتی گفتگوی ساده بیست چند نفر ممنوع است و کسانی که این مقررات ظالمانه را زیر پا بگذارند، با تنبیه بدنی و زندان اقسردادی مجازات میشوند.

هدف رژیم از ایجاد شرایط توافقسرا برای زندانیان سیاسی و تشدید فشار بر آنها روشن است. رژیم میخواهد قدرت مقاومت مبارزانی را که به اسارت درآورده، در هم شکند، و اگر موفق نشد، آنها را بتدریج نابود سازد.

زندانیان سیاسی تا کنون توانسته اند با تحمل دنیاله در صفحه ۲

از جانب زندانبانان شاه رویرو میشوند. از جمله در حدود پنج ماه پیش دوخیمان رژیم به زندان سیاسی زنان قصر - که در حدود ۱۲۰ زندانی سیاسی زن در آن نگهداری میشوند هجوم بردند و زندانیان را با باتون و مشت و لگد کتک جانانه ای زدند. این وحشیگری یکماه بعد با دغلقاری رذیلاته ای تکمیل شد، به این ترتیب که به زندانیان سیاسی زن اطلاع دادند که کلیه نشریات و کتبی که در اختیار آنهاست باید باریکتر از طرف مأمورین ویژه زندان کنترل شود. بدنبال این اخطار کلیه کتب و مجلات و روزنامه هائی که در زندان بود، و بارها از صافی سانسور چینیان زندان گذشته بود، جمع آوری شد. حتی کتب درسی، از جمله کتب آموزش زبان انگلیسی و دستور زبان نیز از زندانیان گرفته شد. در خواستها و اعتراضهای مکرر زنان و دختران زندانی

روز باد مبارزه حزب توده ایران

اه وحدت عمل همه نیرو های ضد رژیم برای سرنگون ساختن دیکتاتوری (اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران)

اسبب سی و پنجمین سالگذشت تأسیس حزب توده ایران

در مهر ماه سال جاری سی و پنجم سال از تأسیس رده ایران میگذرد. حزب توده ایران ادامه اه سازمانهای سوسیال دمکرات انقلابی و حزب ت ایران است و مشابه حزب طبقه کارگر ایران درفش جهان بینی علمی و انقلابی این طبقه - سم - لنینیسم را سرافراز نگاهداشته و در مواضع واجتماعی این طبقه استوار ایستاده است. حزب ران همواره از منافع دور و نزدیک طبقه کارگر زحمتکش ایران پی گیرانه دفاع کرده، الیسم بخاطر استقلال ملی مبارزه نموده، با ارتجاع دمکراسی سیاسی و اقتصادی رزمیده و جنایتها و غارتگریهای این نیروهای دشمن میهن ما را مشخص و در مراحل مختلف انشاء کرده، از حقوق سرزمین ایران، از حقوق دهقانان، زنان و جوانان ن، پیشه وران و دیگر قشر های دمکراتیک میریالیستی یا تمام نیرو مدافعه کرده، و در مهانی از دیدگاه صلح و ترقی و انترناسیونالیسم علیه سیاست جنگ و ارتجاع و تنگ نظری وضع گرفته است. و از کشور های سوسیالیستی و انقلابی کارگری، جنبش های رهایی بخش ملی یا نان پشتیبانی نموده است. حزب توده ایران اندیشه های رهاگر و گرهگشای مارکسیسم - است و با انحراف، چپ، و راست از این ما، پیوسته مقابله کرده و بر اساس این جهان راه تنظیم مشی استراتژیک و تاکتیکی حزب رگر ایران، بزرگترین و پر ثمرترین مساعیرا اده است. حزب توده ایران منشأ خدمات عظیم ل زحمتکش ایران، در تحول افکار عمومی، در بارز مردم برای تحول بنیادی جامعه و کوفتن هموار جاده مبارزات و پیروزیهای آینده است. هرگز خ کشور ما سازمانی با چنین ابعاد معنوی و مادی چود نداشته است. این حزب کما کال بزرگ ازمان ایوزیسیون انقلابی و سازمان پیشاهنگ طبقات مترقی و خلفهای کشور ماست.

حزب ما در شرایط کنونی، سرنگون کردن رژیم دیکتاتوری را شرط مقدم هرگونه حرکتی بجاو میدانند. اقتزار اساسی نیل به این هدف مجرم، عبارت است از تأمین وحدت عمل کلیه نیرو های ضد دیکتاتوری اعم از تعلق به عقیده های و سازمانی. سخن از وحدت عمل در میان است نه اتحاد سازمانی. تنها وحدت عمل نیرو ها و مشی سنجیده و عاقلانه آنها برای نبرد با دیو استبداد و نیروی دوزخی ساواک خواهد توانست پیروز گارتاریک کنونی میهن ما هر چه زودتر خاتمه یخشد. آنهائیکه انرژی های انقلابی را در ماجرا ها و حادثه جویهای بی سر انجام بهنر مینهند، بهدنی که در برابر خود نهاده اند سوهی نمیرسانند، آنهائیکه سنگ تفرقه در میان نیرو های ضد رژیم می افکنند، خواه بخواهند یا نه، با عمل خود بطور عینی به رژیم خدمت می کنند.

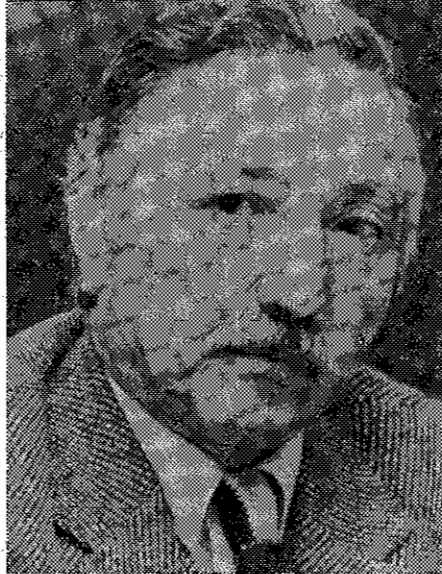
حزب ما با سر سختی مشی وحدت عمل نیروها در راه سرنگونی رژیم محمد رضا شاه را، دنبال خواهد کرد و مطمئن است که مردم ایران بدرستی روش حزب ما معتقدند و آرا مورد پشتیبانی همه جانبه قرار داده و خواهند داد و مشی تفرقه افکن حادثه جو در صورت لجاج در روش خود، در جنبش و جامعه بیش از پیش دچار افتراق و شکست خواهند شد.

در این روز سی و پنجم سالگی حزب توده ایران، ما بهمه رفقای حزبی بیوزره بررقای عزیز زندانی درود آتشین میفرستیم. ما در قبال خاطر شهیدان حزب و نهضت سر تعظیم فرود می آوریم. ما سوگند خود را در وفا داری براه طبقه کارگر تجدید میکنیم و باعناد انقلابی براه مقدس خود تا پیروزی نهائی ادامه خواهیم داد.

فرخنده یاد سی و پنجمین سالگرد حزب توده ایران! کمیته مرکزی حزب توده ایران - شهریور ۱۳۵۵

شاد باش به رفیق لوئیس کوروالان

دیر کل حزب کمونیست شیلی بمناسبت شصت سالگی رفیق عزیز کوروالان!



کمیته مرکزی حزب توده ایران شصتمین زاد روز آن رفیق عزیز را باصمیمیت فراوان شاد باش میگوید. یادداری دلیرانه شما در زندان فاشیسم احترام و محبت عمیق خلقها را متوجه شما ساخته و شما را به مظهر ایستادگی رزمجویانه در قبال دشمنان دمکراسی و ترقی اجتماعی مبدل کرده است.

مردم کشور ما که دهها سال است در شرایطی دشوار با رژیم استبدادی و فاشیستی سلطنتی در نبردند، به ارزش بزرگ و تأثیر تاریخی مبارزه آن دوست و رفیق بسیار عزیز نیک واقفند.

ما اطمینان داریم که مردم شیلی به آرمان شما رفیق عزیز و همزرم فراموش نشدنی شما رئیس جمهور شهید آئینده سر انجام جمله عمل خواهند پوشید و نه فقط همه زندانیان و مهاجران سیاسی شیلی روی آزادی خواهند دید، بلکه خلق رها شده کشور شما خواهد توانست

زندگی نو و عدالتهای را بر پای سازد و رژیم تنگین پیچوت را در لجن زار تاریخ مدفون نماید. شما را بگرمی در آغوش میکشیم و دروهای آتشین رزم خود را به شما و همه زندانیان سیاسی شیلی از جانب حزب خود، زندانیان سیاسی ایران و همه خلفهای کشور مان عرضه میداریم. کمیته مرکزی حزب توده ایران

تسلیت به کمیته مرکزی حزب کمونیست چین

کمیته مرکزی حزب توده ایران درگذشت صدر کمیته مرکزی حزب کمونیست چین مائوتسه دون را صمیمانه بان رقالتسلیت میگوید.

خواهشمندیم تسلیت ما را به خانواده و نزدیکان آن تقید ابلاغ نمایند.

حزب توده ایران و حزب کمونیست چین در یک دوران، بین بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری بایکدیگر روابط و همکاری صمیمانه و موفقیت آمیز داشتند. متأسفانه این روابط بر اثر پروژیک سلسله اختلافات اصولی قطع شد که حزب ما در این زمینه برای خود مسئولیتی قائل نیست و امیدوار است وضعی بوجود آید که این روابط بر پایه مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری بحالت عادی خویش در آید.

با بهترین احترام کمیته مرکزی حزب توده ایران

کارگران نه مجذوب میشوند نه مرعوب

بدنبال اعتصاب موفق کارگران نفت آبادان، مأموران ساواک نیمه شب ۲۵ خرداد، پس از یورش به خانه های ۱۶ نفر از کارگران، آنانرا چشم بسته به محل نا معلومی بردند. خانواده های این کارگران نه فقط نان آور خود را از دست داده اند، بلکه تا کنون از سرنوشت سر پرستان خویش بی خبرند.

و این حادثه تقریباً یک ماه پس از باصطلاح « سومین کنگره کارگران »، یکی دیگر از خیمه شب بازیهای شاهانه رخ داد. شاه در این کنگره مدعی بود که: « امروزه کارگر ایرانی جدا از دولت و یا احتمالاً نیروی در صف مقابل آن نیست، زیرا در اجتماع امروزی ایران که بر اساس انقلاب شاه و مردم بی ریزی شده و تناقضات اجتماعی در آن حل شده است، دولت خود پشتیبان سندیکا ها و مدافع منافع حقه آنها است، در عین حال منافع حقه کارگرو کارفرما بهم پیوسته است ».

دنیاله در صفحه ۲

فرار سرمایه و ثروت از ایران

مجله اکونومیست چاپ لندن در شماره ماه ارد مقاله ای تفصیلی بقلم دیوید هائوس گو، اوضاع ایران منتشر کرده که ما در یک نکته از آنرا مورد برسی قرار میدهم. م ضمن بیان آشفتگی وضع اقتصادی ایران، که در سال ۱۹۷۵ بیش از دو میلیارد دلار از بیخارج فرار کرده است. گر چه این رقم بخودی بزرگی است ولی بیانگر بخشی از واقعیت است و روهایی گوناگونی با انگیزه های متفاوت و علل

چور و اجور پولها را از ایران بیرون میبرند و بسیاری از آنها خود نیز راه ديار فرنگ یا امریکا را در پیش میگیرند. این گروهها را بطور کلی میتوان بشرح زیرین دسته بندی کرد:

اول - سرمایه دارانی که بدلال مختلف از جمله بی اعتمادی به ثبات رژیم، ناتوانی در رقابت با سرمایه دارانی که نفوذ انحصاری خود را در دستگاههای اقتصادی و مالی بر قرار کرده و شاهرگهای اقتصادی را در دست

دنیاله در صفحه ۲

جنون تسلیحاتی رژیم تبه کار محمدرضا شاه

مسئله خرید و سفارشی تسلیحاتی رژیم ضد خلقی و دیکتاتوری ایران از مسائلی است که نظر مطبوعات و محافل گوناگون جهان را بیش از پیش بخود جلب میکند. انگیزه چنین توجهی روشن است. سیاست نظامیگری و مسابقه تسلیحاتی که ایران در پیش گرفته، درست در جهت عکس روند و خامت زدانی و بازگشت نا پذیر کردن سیاست و جنگ سرد، و تکمیل تحقق بخشیدن به تنش زدانی سیاسی از راه تنش زدانی نظامی است. این احکام و نظریات در سندهای کنفرانس سران کشورهای اروپائی در هلستینکی و در کنفرانس احزاب کمونیست و کارگری قاره اروپا در برلین و کنفرانس کشورهای غیر متعهد (که با شرکت ۸۵ کشور آسیا و آفریقا و امریکای لاتین در کمپو بوگراگردید) مورد تأکید و تأیید قرار گرفته است.

بدین ترتیب همه کشورهای اروپائی و اکثریت کشورهای آسیا و آفریقا و امریکای لاتین سیاست جنگ سرد و مسابقه تسلیحاتی را محکوم کرده از سیاست و خامت زدانی و پیروی از اصول همزیستی مسالمت آمیز در روابط بین دول پشتیبانی میکنند. ولی رژیم ایران با چنان مقیاسهای عظیمی مدرنترین جنگ افزارهای نیروی زمینی و هوائی و دریائی خریداری میکند که با مقصود دفاعی کشور و با بنیة اقتصادی آن ابدأ تناسبی ندارد. ایران در معرض تهدید یا خطر تجاوزی قرار ندارد که بوی حق دهد که چنین تدارکات جنون آمیزی دست زند. حتی در کمیسیون فرعی سان امریکا که خود عمده ترین فروشنده تسلیحات به ایران است به این مطلب اعتراف شده است که میزان خرید تسلیحات ایران طی ۳ - ۴ سال اخیر از هر اندازه و مقیاسی فراتر رفته است. در سال ۱۹۷۴ ایران مبلغ ۸ میلیارد دلار از ایالات متحده امریکا، انگلستان، فرانسه و آلمان غربی اسلحه خریداری کرده یعنی مبلغی بیش از مجموعه هزینه های نظامی ایران طی سالهای ۱۹۷۳ - ۱۹۶۰. در لایحه بودجه دولتی سالهای ۱۹۷۶ - ۱۹۷۷ ایران مبلغ ۲ میلیارد دلار برای هزینه های نظامی منظور شده که با هزینه های غیر مستقیم نظامی به ده میلیارد دلار میرسد. یعنی ۳۶ درصد مبلغ کل هزینه بودجه کشور به هزینه های نظامی تخصیص داده شده است.

در مرداد ماه سال جاری هنگام مسافرت هنری کیسینجر وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا به ایران اعلام شد که ایران تا سال ۱۹۸۰ به میزان ۱۰ تا ۱۵ میلیارد دلار مدرن ترین اسلحه زمینی و هوائی و دریائی از امریکا خواهد خرید و بطوریکه مجله «اکنومیسٹ» لندن می نویسد ایران تا سال ۱۹۸۰ بطور کلی ۲۲ میلیارد دلار اسلحه خواهد خرید. اخیراً ایران تعداد کثیری هواپیمای جت بمب افکن اف - ۴ و جت جنگنده اف - ۵ و اف - ۱۴، دستگاههای موشک «هوک» رژیم نوا از نوع «اسپروان» چند فروند زیر دریائی «یانصد» فروند هلیکوپتر «بیمبلی» لارز و بمبهای هدایت شونده خریداری کرده و برای خرید هواپیمای جنگی اف - ۱۵ و اف - ۱۶، فشار بر زندانیان سیاسی...

که هنوز در اختیار نیروی هوائی امریکا قرار نگرفته با کمپانی «جنرال دای نمیکس» معامله ای انجام داده است. طبیعی است که کادر افسری و درجه داران ایران با سطح نازل معلومات فنی قادر به استفاده از این نوع سلاحهای مدرن نیست و خرید این نوع تسلیحات با زوایه شدن دهها هزار افسر و درجه دار امریکائی بعنوان مستشار و مربی و کارشناس به ایران همراه است. نشریه امریکائی «کریسچن سائیس مونیتور» و روزنامه «نیویورک تایمز» و دیگر مطبوعات کشورهای غربی می نویسند که شماره نظامیان امریکا در ایران به ۲۵ تا ۲۶ هزار نفر رسیده است و در سال ۱۹۸۰ به ۵۰ تا ۶۰ هزار نفر خواهد رسید. مایکل کلر مؤلف امریکائی در کتابی که بنام «جنگ بی پایان! برنامه ریزی امریکا برای ویشام بعدی» نوشته است، خاطر نشان میکند: پرسنل نظامی امریکا عملاً خاور نزدیک را اشغال کرده و امروز کار شناسان نظامی امریکا بر نیروهای مسلح اکثریت کشورهای منطقه خلیج فارس کنترل خود را برقرار کرده اند.

شاه ایران در مصاحبه های خود تلاش دارد این سیاست نظامی گری جنون آمیز را با خطر مهمی که گویا ایران رانده می کند توجیه کند و در این مورد هنری کیسینجر با صراحت میگوید: «ایران با اتخاذ شوروی هم مرز است و در منطقه ای بالقوه خطرناک و در میان همسایگانی قرار گرفته است که مابقی بیشتر از ایران صرف خرید تسلیحات کسره اند، (از مصادیق کیسینجر دروشهر) این بیانات کیسینجر مؤید آنستکه برنامه تسلیحاتی ایران با دستور مستقیم امیرالیاسم امریکا و در زمینه اجرای هدفهای استراتژیک پنتاگون اجرا میشود. یعنی تبدیل ایران به پایگاه نظامی علیه اتحاد شوروی، کشور عراق و دیگر همسایگان ایران که دارای رژیمهای مترقی هستند. رژیم ضد خلقی محمد رضا شاه با اجرای چنین سیاست جنون آمیزی علاوه بر ایجاد و تشدید و خامت وضعیت منطقه و تهدید صلح و امنیت خفهای منطقه خلیج فارس، سالیانه بیش از نیمی از درآمد ثروتهای نفتی مردم ایران را که صاحبان واقعی این ثروتها هستند و برای رشد صنایع و کشاورزی و فرهنگ و بهداشت نیاز مبرم به آن دارند به گاو صندوقهای انحصارات کمپیکس صنعتی نظامی میریزد. محمدرضا شاه با اجرای سیاست نظامیگری و تسلیحاتی دست اندر کار چنان خیانتی نسبت به مردم و استقلال میهن ماست که در تاریخ میهن و مردم ما بی سابقه است.

چنین سیاستی تنها می تواند محصول مغزی میویب و وجودی سرا یا خیانت و تبه کاری نسبت به مردم ایران باشد. در اظهاریه هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران (مردم شماره ۱۶۳ اول شهریور ۱۳۵۵) تأکید شده است: «سیاست ماجراجویانه شاه مسیر تصاعد دائمی خود را طی میکند و ادامه این سیاست تنها می تواند بیک فاجعه بیانتهاجمد، زیرا خود خواهی شاه و خانواده پهلوی چنانست که ابائی ندارند نه تنها میهن مابلیکه سراسر منطقه را به تل خاکستری بدل کنند».

سیاسی مقابله نمود، بویژه میباید این مبارزات را متحد ساخت تا بتوان بر تضر بخشی آن افزود. این واقعیت دیگر بر هر عقل سلیمی روشن است که ساواک هر میهن پرست مبارزی را، اعم از توده ای و غیر توده ای، «مارکسیست و غیر مارکسیست» نه فقط به «چرم» مشترک مخالفت با رژیم دیکتاتوری شاه به زندان می اندازد، بلکه آنها را در زندان هم در کتار هم قرار میدهد. چه دلیلی قاطع تر و چه انگیزه های موجه تر از این که این قربانیان مشترک نیز به مبارزه متحد بر ضد رژیم پهلوی و زندانیان دست زنده؟ حزب ما که با احساس مسئولیت در برابر مردم ایران، همه میهن پرستان مبارز، همه مخالفان رژیم دیکتاتوری شاه را، صرف نظر از عقاید سیاسی و اجتماعی و مذهبی، به مبارزه متحد در یک جبهه ضد دیکتاتوری دعوت کرده است، امید وار است که مبارزه متحد همه این نیروها در دفاع از زندانیان سیاسی گامی جدی برای نیل به این هدف باشد.

فرار سرمایه و ثروت از ایران

دارند، هرج و مرج اقتصادی و فساد دستگاههای دولتی فقدان نیروی کار ماهر و کارشناس فنی که به ملت سیاست نظامیگری دولت به سسات گوناگون ارتشی و امنیتی، کشاندند میشوند، سرمایه های را که از بهره کشی بی بند و بار زحمتکشان بدست آورده اند از کشور خارج و بجایهائی که از نظر آنها امن و بیخطر سود آور است منتقل میکنند.

دوم - آنها که از راه تجارتگری، دزدی و چپاول از خزانه دولت و از جیب مردم پولهای کلانی بدست آورده اند و برای دور کردن آنها از هرگونه خطری میلیونها ثروت کشور را ببلنکهای اروپا و امریکاسازیر میکنند تا بعضی احساس خطر فرار را بر قرار ترجیح داده و بدنبال اموال غارتی بروند. سران ارتش و دستگاههای دولتی، مقاطعه کاران و مخپسلسان درجه این گروهند. یک پای آنها در ایران برای ادامه دزدی و غارتگری و پای دیگرشان در خارج برای عیاشی و استفاده از پولهای فراری است.

سوم - لایه های از خرده بورژوازی مرفه که بیشتر شامل کارمندان متوسط، و روشنفکرانی میشود که دارای خانه و مستعلاتی شده اند یا آنکه پولی جمع و جور کرده اند و چون اهل مبارزه علیه رژیم نیستند میخواهند از محیط خفقان آور ایران که در آن هیچگونه آزادی وجود ندارد و استانهای دارای شخصیت و حقوقی نیستند فرار کنند و از سر شاه و دستگاه آدمخوار ساواکش بگوشه ای از جهان پناه ببرند و از دست میهنی که در آن خواب راحت و آسایش ندارند آورده شوند. چهارم - شاه و خاندان پهلوی و اطرافیانیش که پولهای بیحسابی از خزانه دولت، از مؤسسات گوناگون سود آور کشاورزی و صنایع و بانکها، از رشوه های کلان هنگام بستن قرار داد های گوناگون اقتصادی، از قرار داد های خرید اسلحه، از معاملات نفت، از راه قاچاق هرورین و مواد مخدره و از بسیاری راههای دیگر، میلیونها و میلیونها تومان بدست می آورند و بصورت ارزهای خارجی دربرزگترین بانکهای جهان سرمایه داری میکنند. انگیزه دیگر انباشتن این پولها در خارج از کشور نیز بی اقتصادی و پانده است. شاه و اطرافیانیش که از هر کس بکنه اقدامات ضد ملی خویش آگاه ترند از مردم میترسند، با آنها اعتماد ندارند و در همانحال که با زور سر نیزه و شکنجه گاههای ساواک بر اریکه قدرت تکیه زده اند حساب روزمباردا را که دیر یازود خواهد رسید میکنند، اگر مجموع این پولها را که چون سیلی از کشتور بخارج روان است حساب کنیم، آنوقت این واقعتی بروشنی نمایان میشود که پولهای فراری از ایران خیلی بیش از دو میلیارد دلاری است که در آفتاب دیوید هائوس کو، در مجله اکنومیسٹ لندن آورده است. اما این نکته را باید گت که نویسنده (اکنومیسٹ) نخراسه عذل واقعی فرار سرمایه ها را بیان کند. او ناچوانمدرانه در درجه اول گناه را بگردن زحمتکشان ایران انداخته و میگوید بالا رفتن مزد ها یعنی کم شدن مقدار بهره کشی که گویا، مورد حمایت دولت است و ۱ و عجز سازمان ساواک در جلوگیری از جنبش کارگران عامل اصلی فرار سرمایه است! او حتی بی اعتمادی صاحبان سرمایه را نسبت به رژیم به ترس آنها از تبدیل رژیم ایران بیک رژیم گویا ضد سرمایه داری تعبیر میکند! این آفتاب نویسنده که از مندرجات مقاله اش پیداست که با وضع عمومی ایران آشفتست خود را در این مورد چنان بخاندانی و سفاهت زده کردن گویا از کشتار بیرحمانه کارگران و زندانی کردن صدها تن از آنها در جریان مبارزات اقتصادی و حق طلبانه آنان چیزی بگوشش نخرورده و از جنایتکارهای ساواک که نه تنها در ایران بلکه در مقیاس جهانی گوی سبقت را از سازمانهای نظیر خود در آدمکشی و جنایتکاری بروده، بیخبر است. در اینکه اوضاع اقتصادی ایران آشفته است تردید نیست زیرا ایران در دزدی بازاری است که فزادن خارجی و داخلی ثروت های طبیعی و درآمد ملی آنرا از راههای گوناگون غارت و از نیروی کار زحمتکشانش به کمترین بها حداکثر بهره کشی را میکنند. تمام این وضع محصول حکومت ضد ملی و ضد دموکراتیک محمد رضا شاه است که در دستگاههای دولتی بجای قانون جنگل و فرمانهای دیکتاتور فاشیست چیزی حکمفرما نیست. باین دلیل است که سرنگونی این رژیم از راه جبهه ضد دیکتاتوری مقدم ترین شرط تغییر وضع نا بسامان ایران است.

بیش از دو میلیارد دلاری است که در آفتاب دیوید هائوس کو، در مجله اکنومیسٹ لندن آورده است. اما این نکته را باید گت که نویسنده (اکنومیسٹ) نخراسه عذل واقعی فرار سرمایه ها را بیان کند. او ناچوانمدرانه در درجه اول گناه را بگردن زحمتکشان ایران انداخته و میگوید بالا رفتن مزد ها یعنی کم شدن مقدار بهره کشی که گویا، مورد حمایت دولت است و ۱ و عجز سازمان ساواک در جلوگیری از جنبش کارگران عامل اصلی فرار سرمایه است! او حتی بی اعتمادی صاحبان سرمایه را نسبت به رژیم به ترس آنها از تبدیل رژیم ایران بیک رژیم گویا ضد سرمایه داری تعبیر میکند! این آفتاب نویسنده که از مندرجات مقاله اش پیداست که با وضع عمومی ایران آشفتست خود را در این مورد چنان بخاندانی و سفاهت زده کردن گویا از کشتار بیرحمانه کارگران و زندانی کردن صدها تن از آنها در جریان مبارزات اقتصادی و حق طلبانه آنان چیزی بگوشش نخرورده و از جنایتکارهای ساواک که نه تنها در ایران بلکه در مقیاس جهانی گوی سبقت را از سازمانهای نظیر خود در آدمکشی و جنایتکاری بروده، بیخبر است. در اینکه اوضاع اقتصادی ایران آشفته است تردید نیست زیرا ایران در دزدی بازاری است که فزادن خارجی و داخلی ثروت های طبیعی و درآمد ملی آنرا از راههای گوناگون غارت و از نیروی کار زحمتکشانش به کمترین بها حداکثر بهره کشی را میکنند. تمام این وضع محصول حکومت ضد ملی و ضد دموکراتیک محمد رضا شاه است که در دستگاههای دولتی بجای قانون جنگل و فرمانهای دیکتاتور فاشیست چیزی حکمفرما نیست. باین دلیل است که سرنگونی این رژیم از راه جبهه ضد دیکتاتوری مقدم ترین شرط تغییر وضع نا بسامان ایران است.

کارگران نه مجنوب میشوند نه مرعوب شاه هنگامی از پیوند کارگر و کارفره دم میزند، که دوخیمان ساواک و شهروانی و ژا کارخانه ها و کارگاههای را که کارگران آ دست یافتن به حداقل حقوق خود به اعتراض و اعتصاب می پردازند، در محاصره میکنند، را از کارخانه اخراج میکنند، به بازداشت تبعیدگاهها میفرستند، با باتون و قنداق تفنگ، و مجروح میکنند، حتی به گلوله می بندند شاه و جبار چپانش زمانی از بر افتادن اجتماعی و بر پا شدن عدالت اجتماعی میزند که زندگی زحمتکشان روز بروز مش و شکاف میان فقر و ثروت دمدم وسیعتر می دستمزد ناچیز، کمپایی و نایابی کالاها افزایش سریع هزینه زندگی، کمبود و گرانی، فقدان وسایل بهداشت و آموزش، محرومیت بیمه های اجتماعی و ایمنی کار، اجرا نشدن طرح ناقص طبقه بندی مشاغل، اخراج خود عقب افتادن دستمزد ها، تبعیض میان کارگران داخلی و خارجی، رفتار خشونت آمیز و تحقیر کارفرمایان و کارگران آنها - همگی عواملی که دشوار ترین شرایط کار و زندگی را به کارگران تحمیل میکنند. غارت ثروتهای ملی، انحصارات امپریالیستی و صرف هزینه های سر نظامی، که رژیم کنونی عامل آن است، بر د زندگی زحمتکشان به مراتب می افزاید. همراه با تشدید دشواریهای زندگی و با سطح آگاهی کارگران، دامنه مبارزه از وسیعتر و شیوه ها و اشکال مبارزه شان متن میگردد. واقعیت های زندگی نشان میدهد عوامفریبی های رژیم در باره سبیم کردن کارگر سود و مالکیت واحد های صنعتی و تبلیغات بی بهره پیشرفت فرهنگ و بهداشت و تعمیم بیمه اجتماعی و دعوی یوچ در باره بر افتادن طبقه تضاد های طبقاتی و وعده های تو خالی در تمدن بزرگ و نه توسل به ترور و اختناق، و شکنجه، کشتار و سر به نیست کردن - نتواند و نخواهد توانست زحمتکشان را از مبارزه در اما حقوق خود دست یافتن به آرمانهای خویش باز مبارزه کارگران و سایر زحمتکشان اوج و توان میباید و آرامش این «جزیره ثبات» را زیر ض امواج خود بیش از پیش بر هم میزند.

حزب توده ایران مبارزه میکند

(اظهار نظر روزنامه آمان غربی) روزنامه «فرانکفورتر اونند شائو» منتشره در آلمان غربی در تاریخ ۳۱ اوت ۱۹۷۶ تحت عنوان «شکار مخالفان شاه» بقلم ولفگانگ شتوک کلاوستر مقاله ای در باره فعالیت ایوزیسیون ضد رژیم نشر داده و از آنجمله به فعالیت حزب توده ایران اشاره کرده می نویسد:

«مارکسیستهای ایرانی بصورت حوزها متشکلند و برای حفظ امنیت حوزها، آنها مستقل از یکدیگر فعالیت میکنند. حزب کمونیست (توده) علی رنهم معویت خود در خارج و داخل کشور بصورت معنی فعالیت خود ادامه میدهد و بسیاری از هواداران این حزب از زمره دانشجویانند، صرف نظر از اینکه این روزنامه در توضیح فعالیت و نوع این نیروها، روشها و سیاست همه را یکسان میگیرد و اختلاف نیروها و اسلوب عمل آنها را نمی بیند، اعتراف این روزنامه به فعالیت متشکل حزب توده ایران در داخل کشور و هدف این مبارزه بهر صورت میتواند برای خوانندگان مردم، چالب باشد.

دوست گرامی بیکار مبلغ ۸۰۰ مارک غربی توسط رفیق ۲۵۴ رسید. صمیمانه سپاسگزاریم.